

تأثیر آموزش تحلیل رفتار متقابل بر تعدیل کمال‌گرایی مادران با توجه به سبک فرزند‌پروری^۱

الهام نوروزپور^۲

مسعود جان‌بزرگی^۳

مژگان آگاه‌هریس^۴

محمدحسین فلاح^۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۴/۶

تاریخ وصول: ۱۳۹۲/۹/۱۸

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی تحلیل رفتار متقابل بر تعدیل کمال‌گرایی مادران انجام شد. این پژوهش مطالعه نیمه آزمایشی با پیش‌آزمون و پس‌آزمون و گروه کنترل بود. با کاربرد طرح نیمه‌آزمایشی و استفاده از دو گروه کنترل و آزمایش با پیش‌آزمون-پس‌آزمون؛ جامعه آماری این پژوهش را کلیه مادران کودکان پیش‌دبستانی و دبستانی ۶ تا ۱۱ سال در ۵ مدرسه مقطع ابتدایی شهرستان آمل در سال ۹۲-۱۳۹۱ تشکیل داد. با استفاده از نمونه‌گیری در دسترس، از میان مادران داوطلب که واجد معیارهای ورود-خروج بودند، تعداد ۴۲ نفر که نمره فرزند‌پروری آن‌ها یک انحراف استاندارد بالاتر از نمره میانگین در زیر مقیاس‌های مستبدانه و سهل‌گیرانه بودند، انتخاب شدند و به صورت تصادفی در دو گروه ۲۱ نفره جایگزین شدند. کلیه آزمودنی‌های دو گروه به گویه‌های پرسش‌نامه‌های فرزند‌پروری باومریند و چندوجهی کمال‌گرایی والدینی قبل و بعد از مداخله روی گروه آزمایش، پاسخ

۱. مستخرج از پایان‌نامه

۲. دانشجوی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات یزد، دانشکده علوم انسانی، گروه مشاوره و راهنمایی، یزد، ایران

elhamnowruzpoor@yahoo.com

۳. دانشیار روان‌شناسی بالینی پژوهشکده حوزه و دانشگاه masuodjan@yahoo.com

۴. استادیار روان‌شناسی سلامت دانشگاه پیام نور agah.mojgam@yahoo.com

۵. استادیار روان‌شناسی کودکان استثنایی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات یزد stat@yahoo.com

دادند. پس از جمع‌آوری داده‌ها، تجزیه و تحلیل داده‌ها با کاربرد نسخه بیستم نرم‌افزار آماری SPSS و استفاده از آزمون مان‌ویتنی یو نشان داد که آموزش تحلیل رفتار متقابل روی مادران می‌تواند به تعدیل کمال‌گرایی منتهی شود ($P < 0/05$). بنابراین می‌توان نتیجه‌گیری کرد که آموزش تحلیل رفتار متقابل به واسطه کاربرد فنون رشد بالغ، ساخت‌دهی به زمان، اقتصاد نوازش و غیره توانسته است به تعدیل کمال‌گرایی مادران بیانجامد.

واژگان کلیدی: کمال‌گرایی، فرزندپروری، تحلیل رفتار متقابل، مادران.

مقدمه

کمال‌گرایی تلاش برای رفع نواقص می‌باشد و کمال‌گرایان افرادی هستند که می‌خواهند در همه ابعاد زندگی افراد کاملی باشند و با ویژگی‌هایی همچون تلاش فزاینده برای بی‌نقص بودن و تعیین کردن استانداردهای افراطی به طور مدام برای خود، همراه با تمایل برای ارزیابی انتقادی بالا برای رفتارشان مشخص می‌شوند (استوبر و یانگ^۱، ۲۰۱۰؛ نقل از استوبر، ۲۰۱۲). کمال‌گرایی یکی از ویژگی‌های شخصیتی محسوب می‌شود که می‌تواند تمام جنبه‌های زندگی فرد را در برگیرد و زمینه‌ساز شکل‌گیری باورهای ناکارآمد شود (فراست^۲، لاهارت^۳ و روزنیل^۴؛ ۱۹۹۱) بنابراین افرادی که در یک جنبه از زندگی کمال‌گرا هستند معمولاً گرایش دارند تا در جنبه‌های دیگر زندگی هم کمال‌گرا باشند (فلت، ساتزکی و هویت، ۱۹۹۵؛ نقل از بریور، ۲۰۰۱). در نتیجه این افراد کمال‌گرایی^۵ خود را در سبک فرزندپروری به نمایش می‌گذارند (سویننس^۶، وانستین کیست^۷، دیوریز^۸، الیوت^۹ و گوسنس^{۱۰}، ۲۰۰۵).

-
1. Yang.
 2. Frost, R.O.
 3. Lahart, C. M.
 4. Rosenblate, R.
 5. Parenting Perfectionism
 6. Soenens, B.
 7. Vansteenkiste, M.
 8. Duriez, B.
 9. Elliot, A.
 10. Goossens, L.

فرزندپروری فرایندی است که والدین برای مواجهه با نیازهای فرزندان‌شان در حین گذار از آن، رشد و تغییر می‌کنند. نکته حائز اهمیت آن است که به خاطر داشته باشیم، این تغییر تدریجی است. در فرایند تغییر، والدین فرزندان‌شان را تحت تأثیر قرار می‌دهند و فرزندان هم به نوبه خود، رفتار والدین را تحت تأثیر قرار می‌دهند (جان‌بزرگی، نوری و آگاه‌هریس، ۱۳۹۱). آسوفسکی^۱ و تامپسون^۲ (۲۰۰۰) معتقدند که پاسخدهی والدین به فرزندان‌شان و روش صحبت کردن و آموزش دادن والدین در تعیین سلامت و رشد و تحول فرزندان‌شان بسیار مهم است (میلدان و پولیمینی، ۲۰۱۲). همچنین رفتار فرزندپروری بر تحول حس اجتماعی تأثیر می‌گذارد. اما متأسفانه برخی از رفتارهای والدین با کودکان خود، نه تنها تحول اخلاق را ارتقاء نمی‌دهد بلکه آن را با موانع جدی مواجه می‌سازد (جان‌بزرگی و همکاران، ۱۳۹۱). هاماکچک^۳ (۱۹۷۸) معتقد است که والدین کمال‌گرا بیش از حد انتقاد می‌کنند، سخت‌گیرند و کمتر ممکن است از فرزندان خود حمایت کنند و فرزندان نمی‌توانند از یک عملکرد که به اندازه کافی خوب است مفهومی ایجاد و یا ادراک کنند. عملکرد آنها بیش از حد ارزیابی می‌شود و این به بهای از دست دادن محبت و رابطه صمیمی می‌شود. همچنین فراست و همکاران (۱۹۹۱) تأکید کرده‌اند که در شیوه فرزندپروری والدین کمال‌گرا محافظت بیش از اندازه، توجه انتخابی به شکست و تحمل نکردن خطا دیده می‌شود، این ویژگی زمینه‌ساز شکل‌گیری باورهای ناکارآمد می‌شود. از طرفی والدین لازم است که اهداف متعالی و در عین حال واقع‌نگرانه‌ای در خصوص رفتار کودکان‌شان ترسیم کنند و با حمایت‌های لازم نسبت به دست‌یابی یا عدم دست‌یابی کودکان به انتظارات خود و خواسته‌های موردنظر نظارت داشته باشند (جان‌بزرگی و همکاران، ۱۳۹۱). می‌سیل‌دین (۱۹۶۳) معتقد است والدین کمال‌گرا نه تنها به تحقیر موفقیت‌های خود می‌پردازند، بلکه پذیرفتن و پاداش دادن به تلاش‌های کودکان را نیز دشوار می‌پندارند. آنها به جای تأیید رفتار کودکان‌شان پیوسته آنها را به انجام کارهای بهتری وا می‌دارند و به آنها هشدار می‌دهند.

1. Osofsky.

2. Thompson.

3. Hamachek, D. E.

این کودکان هیچ‌گاه احساس خرسندی نمی‌کنند زیرا رفتار آنها به اندازه کافی خوب نیست تا نظر والدین خود را جلب کنند. بنابراین این کودکان مانند والدین‌شان موفقیت‌های خود را کوچک می‌شمارند و احساس می‌کنند که هیچ‌گاه انتظارهای والدین‌شان را برآورده نخواهند ساخت (نقل از فراست، لاهارت و روزنبلت، ۱۹۹۱). در حالی که تحلیل‌گران رفتار متقابل، آدم‌ها را خوب می‌دانند و معتقد هستند که اگر آدم‌ها مشکلی پیدا می‌کنند به دلیل رفتارهای والدین‌شان و خصوصیات نسبت داده شده به آن‌ها و احکام صادر شده با لحن شدید، از طرف والدین است (همان منبع) و تعامل والدین-کودک به واسطه فرزندپروری ظاهر می‌شود (هوور^۱، اوتن^۲، وریس^۳ و انجلز^۴، ۲۰۱۰).

از طرفی، رینالدی و هاوو (۲۰۱۲) در پژوهش خود نشان دادند که آموزش و آگاه‌سازی والدین به آن‌ها کمک می‌کند تا ارتباط سطح بالای مشکلات رفتاری فرزندان در روابطشان با سبک‌های نامؤثر والدینی، یعنی پذیرفتن تمام خواسته‌های کودک و داشتن انتظارات غیر واقعی از کودک را درک کنند. نظیری، بیرشک و محمدیان (۱۳۷۸) هم در پژوهش خود نشان دادند که به دلیل شیوه تربیتی نامتعادل والدین کمال‌گرا، آموزش پدران و مادران ضروری است. بشارت، عزیزی و حسینی (۱۳۸۹) نیز در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که ابعاد کمال‌گرایی والدین، ویژگی‌های مربوط به سبک‌های فرزندپروری آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. هوور و همکاران (۲۰۱۰) نیز در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که والدین برون‌گرا و سازگار هستند، نقش حمایتی خوبی برای فرزندان خود دارند و والدینی که دارای ثبات عاطفی هستند از کنترل شدید برای تربیت فرزندان خود استفاده نمی‌کنند و در کل این والدین به شیوه مقتدرانه با فرزندان خود رفتار می‌کنند و همچنین بی‌ثباتی عاطفی، به فرزندپروری سخت‌گیرانه منجر می‌شود.

-
1. Huver
 2. Otten
 3. Vries
 4. Engels

همچنین مادری که از مشاخره درونی "والد-کودک" خود آزاد است و از احساس "من خوب نیستم" خود رها شده است، می‌تواند مادری گرم و نوازش‌دهنده باشد (فیروزبخت، ۱۳۸۹). لذا رویکرد TA یا تحلیل رفتار متقابل که روش‌های ساده و قابل فهمی برای والدین و خانواده‌هایی که می‌خواهند روابط سالم‌تری که مبتنی بر درک متقابل طرفین رابطه باشد، ارائه می‌دهد و با روش‌های درست و منطقی و بر اساس واقعیت‌های "بالغ" اعمال محدودیت‌ها و چارچوب‌های مبتنی بر فرزندپروری را تنظیم می‌کند، به گونه‌ای که به حفظ حرمت "کودک" منجر می‌گردد، این نظریه، در مورد شخصیت، روشی منظم برای درمان می‌تواند یکی از مؤثرترین راه‌های بهبود ارتباط و مکالمه والدین با فرزندان‌شان باشد (سیفی و مرتضوی، ۱۳۸۸).

مرور پژوهش‌های انجام شده در زمینه کمال‌گرایی حاکی از آن است که با توجه به تأثیر کمال‌گرایی در نقش والدینی، پژوهش‌های اندکی مبنی بر تأثیر آموزش بر تعدیل کمال‌گرایی انجام شده است، از آنجا که تحلیل رفتار متقابل^۱ دربرگیرنده یک نظریه ارتباطی آسان و کامل درباره شخصیت است (کوری^۲، ۲۰۰۹)؛ این بینش را ایجاد می‌کند تا چگونگی طرز برخورد با خود و دیگران مشخص شود (فیروزبخت، ۱۳۸۹) و با توجه به اهمیت این رویکرد در بهبود مهارت‌های درون فردی و بین فردی افراد، هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر آموزش تحلیل رفتار متقابل بر تعدیل کمال‌گرایی مادران با سبک فرزندپروری مستبدانه و سهل‌گیر می‌باشد.

این پژوهش با طرح نیمه آزمایشی به صورت پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل انجام شد. متغیر مستقل آموزش تحلیل رفتار متقابل بود که به شیوه گروهی روی گروه آزمایش انجام شد و گروه کنترل در لیست انتظار قرار گرفتند.

جامعه آماری این پژوهش را کلیه مادرانی که فرزندان‌شان (۷ تا ۱۱ سال) در شهرستان آمل در ۵ مدرسه مقطع ابتدایی و پیش‌دبستانی سال ۹۲-۱۳۹۱ مشغول به تحصیل بودند و داوطلب

1. Transactional Analysis
2. Corey. C

شرکت در پژوهش شدند ($N=100$)، تشکیل دادند. روش نمونه‌گیری این پژوهش از نوع نمونه‌گیری در دسترس بود؛ پس از لحاظ کردن معیارهای ورود (از قبیل مادر بودن، دارای فرزند در مقطع پیش‌دستانی یا دبستان، دارای سبک فرزندپروری سخت‌گیرانه یا سهل‌گیرانه بر اساس مقیاس فرزندپروری باومریند، عدم ابتلا به اختلال‌های روانی، حضور فیزیکی مادر در کنار فرزند، حضور پدر و مادر در کنار هم و کمال‌گرا بر اساس پرسش‌نامه چندوجهی کمال-گرایی والدینی) ۴۲ نفر از آن‌ها که واجد معیارهای ورود برای شرکت در پژوهش بودند، انتخاب و به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل جایگزین شدند.

سپس قبل و بعد از آموزش تحلیل رفتار متقابل (TA) به گروه آزمایش، گروه نمونه به کلیه پرسش‌نامه‌های فرزندپروری باومریند، چندوجهی کمال‌گرایی والدینی (MPPQ) پاسخ دادند.

تحلیل رفتار متقابل برن (۱۹۸۸) برای تحلیل رفتار افراد در مقابل یکدیگر از سه موضع "کودک" و "والد" و "بالغ" که در این پژوهش، اصول آن برای گروه آزمایش طی ۱۳ جلسه به صورت گروهی و جلسات هفتگی و هر جلسه به مدت ۹۰ دقیقه آموزش داده شد.

ابزار پژوهش

پرسش‌نامه سبک فرزندپروری باومریند: این پرسش‌نامه ابزار اکتباسی است از نظریه اقتدار والدین که بر اساس نظریه باومریند از آزادگذاری، استبدادی و اقتدار منطقی والدین، برای بررسی الگوهای نفوذ و شیوه فرزندپروری ساخته شده است. این پرسش‌نامه شامل ۳۰ جمله است که ۱۰ جمله آن به شیوه سهل‌گیرانه، ۱۰ جمله به شیوه مستبدانه و ۱۰ جمله دیگر به شیوه قاطع و اطمینان‌بخش مربوط می‌شود و الگوی پاسخ‌گویی به آن بر حسب یک مقیاس ۵ درجه-ای لیکرت مشخص می‌شود. نمره‌گذاری سئوال‌های پرسش‌نامه باومریند نیز بر مبنای مقیاس لیکرت صورت می‌گیرد که با جمع نمره سئوال‌های مربوط به هر شیوه، سه نمره مجزا به دست می‌آید. این پرسش‌نامه قبلاً توسط اسفندیاری (۱۳۷۴) و رضایی (۱۳۷۵) مورد استفاده قرار

گرفته و این محققان اعتبار و پایایی خوبی را در مورد آن گزارش نموده‌اند. بوری (۱۹۹۷) میزان پایایی این پرسش‌نامه را با روش بازآزمایی در بین مادران به ترتیب ۰/۸۱ برای سهل-گیری، ۰/۸۶ برای استبدادی و ۰/۷۸ برای شیوه مقتدرانه و در بین پدران ۰/۷۷ برای شیوه سهل-گیری، ۰/۸۵ برای استبدادی و ۰/۸۸ برای اقتدار گزارش نمودند.

پرسش‌نامه چندوجهی کمال‌گرایی والدینی (MPPQ): این پرسش‌نامه مقیاسی است که برای اندازه‌گیری کمال‌گرایی والدینی توسط اسنل، اوربی و بریور (۲۰۰۵) طراحی شده است و یک ابزار طراحی شده خودسنجی دو قسمتی است که مؤلفه‌های مختلف سازه کمال‌گرایی والدینی را اندازه می‌گیرد. بخش اول MPPQ، از ۳۰ گویه تشکیل شده که پنج زیرمقیاس وابسته به سازه کمال‌گرایی والدینی را در بردارد (هویت، فلت، تورنبال-دانوان و میکائیل، ۱۹۹۱؛ نقل از اسنل و همکاران، ۲۰۰۵)، که شامل کمال‌گرایی والدینی خودمحور (SOPP)، کمال‌گرایی والدینی تجویز شده از سوی جامعه (SPPP)، کمال‌گرایی والدینی خودمحور همسر (PSOPP)، کمال‌گرایی والدینی تجویز شده از سوی همسر (PPPP)، انتظار کمال‌گرایانه پاسخ‌دهنده از همسر (PESP)، می‌باشد و بخش دوم شامل ۳۵ گویه است که ۶ زیرمقیاس دیگر مرتبط با سازه کمال‌گرایی والدینی را در بر می‌گیرد (فراست، مارتین، لاهارت و روزنبلت، ۱۹۹۰)، که شامل تمرکز زیاد بر اشتباهات (COMP)، تردید در مورد کارهای فرزندپروری (DPA)، استانداردهای فرزندپروری شخصی (PPS)، انتظارات همسر از فرزندپروری پاسخ-دهنده (PPE)، عیب‌جویی همسر از فرزندپروری پاسخ‌دهنده (PPC)، سازماندهی والدینی (PO) می‌باشد. در ایران آگاه‌هریس، جان‌بزرگی، نوروزپور، موسویو علائینی (زیر چاپ) این مقیاس را روی نمونه‌ای ۱۰۲۵ نفری اجرا کردند و آلفای کرونباخ را برای بعد اول و دوم این مقیاس به ترتیب ۰/۸۳ (M=۵۹/۵۹ و SD=۱۵/۰۶) و ۰/۸۰ (M=۶۴/۲۲ و SD=۱۴/۶۱) محاسبه کردند. آنها همچنین ضریب همسانی درونی را برای زیرمقیاس‌های SOPP، SPPP، PSOPP، PPE و PPPP به ترتیب ۰/۶۳، ۰/۵۳، ۰/۵۲، ۰/۵۱ و ۰/۵۳ و برای زیرمقیاس‌های COMP، DPA، PPC، PPE، PPS و PO به ترتیب ۰/۵۴، ۰/۳۶، ۰/۵۶، ۰/۵۵، ۰/۳۵ و ۰/۶۹ گزارش

کردند.

روش تحلیل داده‌ها

با توجه به طرح پژوهش و تعداد محدود آزمودنی‌ها و به منظور افزایش توان آزمون، سطح معناداری برای آلفا برابر با ۰/۰۵ در نظر گرفته شده است. داده‌ها پس از جمع‌آوری با استفاده از ویرایش شانزدهم نرم‌افزار آماری SPSS مورد تجزیه و تحلیل توصیفی و استنباطی قرار گرفتند. میانگین سنی آزمودن‌ها ۳۶/۳۶ و دامنه‌ی سنی ۲۸ - ۴۶ بود. دامنه‌ی تحصیلات آزمودنی‌ها از دیپلم تا فوق‌لیسانس بود. مدت تأهل در دامنه‌ی ۷ - ۳۰ سال قرار داشت. نتایج تجزیه و تحلیل در سطح توصیفی و استنباطی، از طریق نسخه بیستم نرم‌افزار SPSS انجام شد. از آنجا که نتایج آزمون کولموگراف - اسمیرنف حاکی از عدم نرمال بودن توزیع نمره‌های کمال‌گرایی بود ($P < 0/05$) از آزمون ناپارامتریک مان‌ویتنی‌یو استفاده شد. یافته‌ها: در جدول شماره ۱ نتایج بررسی فرضیه پژوهش که عبارت بود از (آموزش تحلیل رفتار متقابل کمال‌گرایی والدینی در مادران را به طور معناداری تعدیل می‌کند) بیانگر وجود تفاوت معنادار میان نمرات کمال‌گرایی والدینی و زیرمقیاس‌های آن (به جز زیرمقیاس سازماندهی والدینی (PO)) در دو گروه آزمایش و کنترل است؛ بدین معنی که آموزش تحلیل رفتار متقابل به تعدیل کمال‌گرایی والدینی مادران منتهی شده است.

تأثیر آموزش تحلیل رفتار متقابل بر تعدیل کمال گرایی مادران با... □ □ □ □ □ ۱۶۳

جدول ۱. آزمون مان‌ویتنی‌یو برای بررسی معناداری تفاوت نمرات کمال گرایی والدینی در دو گروه

P	Z	مان‌ویتنی‌یو	مجموع رتبه‌ها	رتبه میانگین	گروه	متغیر
۰/۰۰۰۱	-۵/۰۶	۲۱/۰۰	۲۵۲/۰۰	۱۲/۰۰	آزمایش	MPPQ نمره کل
			۶۵۱/۰۰	۳۱/۰۰	کنترل	
۰/۰۰۰۱	-۴/۶۹	۳۵/۰۰	۲۶۶/۰۰	۱۲/۶۷	آزمایش	کمال گرایی والدینی خودمحور SOPP
			۷۳۷/۰۰	۳۰/۳۳	کنترل	
۰/۰۰۰۱	-۳/۶۷	۸۴/۰۰	۳۱۵/۰۰	۱۵/۰۰	آزمایش	کمال گرایی والدینی تجویز شده (SPPP) از سوی جامعه
			۵۸۸/۰۰	۲۸/۰۰	کنترل	
۰/۰۰۰۱	-۵/۱۴	۳۱/۵۰	۲۶۲/۵۰	۱۲/۵۰	آزمایش	کمال گرایی والدینی خودمحور (PSOPP) همسر)
			۶۴۰/۵۰	۳۰/۵۰	کنترل	
۰/۰۰۰۱	-۵/۹۳	۰/۰۰	۲۳۱/۰۰	۱۱/۰۰	آزمایش	کمال گرایی والدینی تجویز شده (PPPP) از سوی همسر)
			۶۷۲/۰۰	۳۲/۰۰	کنترل	
۰/۰۰۰۲	-۳/۱۲	۱۰۳/۵۰	۳۳۴/۵۰	۱۵/۹۳	آزمایش	انتظار کمال‌گرایانه پاسخ‌دهنده (PESP) از همسر)
			۵۶۸/۵۰	۲۷/۰۷	کنترل	
۰/۰۰۰۱	-۵/۳۶	۲۱/۰۰	۲۵۲/۰۰	۱۲/۰۰	آزمایش	MPPQ2 نمره کل
			۶۵۱/۰۰	۳۱/۰۰	کنترل	
۰/۰۰۰۱	-۴/۵۷	۵۲/۵۰	۲۸۳/۵۰	۱۳/۵۰	آزمایش	تمرکز زیاد بر اشتباهات (COMP)
			۶۱۹/۵۰	۲۹/۵۰	کنترل	
۰/۰۰۰۴	-۲/۸۵	۱۱۵/۵۰	۳۴۶/۵۰	۱۶/۵۰	آزمایش	تردید در مورد کارهای (DPA) فرزندپروری)
			۵۵۶/۵۰	۲۶/۵۰	کنترل	
۰/۰۰۰۱	-۵/۹۴	۰/۰۰	۲۳۱/۰۰	۱۱/۰۰	آزمایش	استانداردهای فرزندپروری (PPS) شخصی)

			۶۷۲/۰۰	۳۲/۰۰	کنترل	
۰/۰۰۰۱	-۴/۲۷	۶۳/۰۰	۲۹۴/۰۰	۱۴/۰۰	آزمایش	انتظارات همسر از فرزندپروری (PPE پاسخ‌دهنده)
			۶۰۹/۰۰	۲۹/۰۰	کنترل	
۰/۰۰۰۱	-۵/۹۴	۰/۰۰	۲۳۱/۰۰	۱۱/۰۰	آزمایش	عیب‌جویی همسر از فرزندپروری پاسخ‌دهنده (PPC)
			۶۷۲/۰۰	۳۲/۰۰	کنترل	
۰/۱۳۷	-۱/۴۸	۰/۱۷	۳۹۹/۰۰	۱۹/۰۰	آزمایش	PO سازماندهی والدینی)
			۵۰۴/۰۰	۲۴/۰۰	کنترل	

بحث و نتیجه‌گیری

یافته این پژوهش به‌طور کلی حاکی از این بود که، آموزش تحلیل رفتار متقابل کمال-گرایی والدینی در مادران را به‌طور معناداری تعدیل می‌کند

یافته‌های این پژوهش بیانگر آن است که میان اختلاف نمرات مربوط به نمره کل MPPQ و تمام زیرمقیاس‌های آن و نمره کل MPPQ2 و همه زیرمقیاس‌های آن به جز زیرمقیاس سازماندهی والدینی (PO) تفاوت وجود دارد ($P < 0/05$). بنابراین این فرضیه تأیید می‌شود. این یافته‌ها با شفیع (۱۳۹۱) همسو است مبنی بر اینکه تحلیل رفتار متقابل می‌تواند باعث کاهش تعارض والدین - نوجوان شود و همچنین این یافته‌ها را می‌توان با یافته‌های چن (۲۰۰۲) نیز همسو دانست مبنی بر اینکه آموزش تحلیل رفتار متقابل به مادران کمک می‌کند تا رفتار بالغانه، برقراری روابط بالغانه و کنترل هیجان‌ها را جایگزین انتقاد از فرزندان‌شان کنند.

از آنجا که با بررسی‌های انجام شده در منابع علمی، یافته دیگری مبنی بر تأثیر مداخله‌های روان‌شناختی از جمله تحلیل رفتار متقابل بر کاهش کمال‌گرایی والدینی مشاهده نشده است، این یافته از جمله دستاوردهای جدید در حوزه فرزندپروری و ارتباط مادر و کودک محسوب می‌شود. این یافته اینگونه تبیین می‌شود که هام‌چک (۱۹۷۸) معتقد است والدین کمال‌گرا بیش

از اندازه انتقاد می‌کنند و عیب‌جو هستند، سخت‌گیر هستند، عموماً کمتر از فرزندان‌شان پشتیبانی می‌کنند، عملکرد فرزندان‌شان را بیش از حد ارزیابی می‌کنند، تمرکز زیادی بر اشتباه دارند، انتظارشان فراتر از توان است و در مورد کارها تردید دارند و این تعریف در راستای تعریف والد سرزنش‌گر مبنی بر اینکه رفتارهای این والدین، ماهیتی سلطه‌گر دارد و اطلاع‌رسانی در قالب دستورهای کلامی می‌باشد و پیامد این رفتارها کانال ارتباطی را می‌بندد (بوث، ۲۰۰۷) و والد بی‌ثبات در تحلیل رفتار متقابل می‌باشد؛ همانطور که آموزش تحلیل رفتار متقابل به والدین سرزنش‌گر و بی‌ثبات کمک می‌کند تا با رشد بالغ و محاسبه‌گری، به جای کنترل‌گری منفی و سرزنش‌گری از ساختاردهی استفاده کنند؛ آموزش تحلیل رفتار متقابل به والدین کمال‌گرا نیز همین تأثیر را دارد به عبارت دیگر آموزش تحلیل رفتار متقابل ابزاری است که به مادران کمال‌گرا کمک می‌کند تا هیجان‌هایشان را کنترل و رابطه بالغانه را بجای انتقاد از فرزندان‌شان انتخاب کنند و با بررسی مجدد تفکر والدانه و کودکانه خود و با تصمیم‌گیری مجدد درباره پیام‌های پیش‌نویس شده خود، به رشد بالغ برسند. همچنین این نظریه بر اساس سه اصل بنا شده است ۱- تمامی انسان‌ها همانطور که هستند، ارزشمند و قابل احترام هستند و این صرفاً به خاطر وجود آن‌ها است ۲- انسان‌ها اشتباه می‌کنند ۳- انسان‌ها تغییر می‌کنند در نتیجه آموزش تحلیل رفتار متقابل به والدین کمال‌گرا، تمرکزشان را بر اشتباه و داشتن انتظارات غیرواقعی‌بینانه‌شان را تعدیل می‌کند و در نهایت منجر به تعدیل کمال‌گرایی می‌شود.

قابل ذکر است که این پژوهش با محدودیت‌هایی نیز مواجه بوده است: این پژوهش روی مادران شهرستان آمل انجام شده است، لذا با توجه به تفاوت‌های فرهنگی، در تعمیم یافته‌ها احتیاط شود. همچنین در این پژوهش نقش جنسیت والدین، نقش واسطه‌ای ارتباط پدر-مادر، پدر-فرزند بررسی نشده است. ابزار این پژوهش ترجمه بود و بعضی از مفاهیم آن قابل درک برای والدین ایرانی نبود. پیشنهاد می‌شود ارتباط سایر مؤلفه‌های مؤثر بر ارتباط والد-فرزند نظیر سبک‌های دلبستگی، نیرومندی من، ویژگی‌های روانشناختی کودکان بر ارتباط والد-فرزند در جمعیت‌های بالینی نظیر اضطراب، افسردگی، پرخاشگری، بیش‌فعالی و جز آن و غیر بالینی

نظیر حرمت خود، سبک دل‌بستگی و نقش میانجی کمال‌گرایی بر افزایش خودکارآمدی به عنوان یک مؤلفه سازگاری والدینی را بررسی شود. ارتباط والد-فرزند و نقش میانجی آن در آموزش تحلیل رفتار متقابل بر تعدیل خودکارآمدی والدینی، نقش آموزش تحلیل رفتار متقابل به والدین و فرزندان به طور هم‌زمان بر تعدیل کمال‌گرایی و خودکارآمدی والدینی، تأثیر سایر مداخله‌های روان‌شناختی نظیر آموزش شناختی-رفتاری و واقعیت‌درمانی با تأثیر تحلیل ارتباط متقابل بر تعدیل کمال‌گرایی نیز بررسی شود. همچنین ساختن ابزاری اندازه‌گیری کمال‌گرایی که متناسب با فرهنگ جامعه باشد، پیشنهاد می‌شود.

منابع

- بشارت، محمدعلی، عزیزی، کورش و حسینی، اسماء. (۱۳۸۹). رابطه کمال‌گرایی والدین با سبک فرزند‌پروری. پژوهش در نظام آموزشی. ۴(۸)، ۹-۲۹.
- جان‌بزرگی، مسعود، نوری، ناهید و آگاه‌هریس، مژگان. (۱۳۹۱). آموزش اخلاق، رفتار اجتماعی و قانون‌پذیری به کودکان. تهران: نشر ارجمنده.
- جیمز، موریل. (۱۳۸۸). تحلیل رفتار متقابل برای پدرها و مادرها. (رضا سیفی و کیارا مرتضوی، مترجم) تهران: انتشارات فراروان.
- شفیعی، زهره. (۱۳۹۱). مقایسه اثربخشی گروه درمانی تحلیل رفتار متقابل و واقعیت‌درمانی گروهی بر کاهش بحران هویت و کاهش تعارضات والدین-نوجوان در دانش‌آموزان دختر نیشابور. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی فردوسی مشهد.
- فیروزبخت، مهرداد. (۱۳۸۹). برن بنیانگذار تحلیل رفتار متقابل. تهران: نشر دانژه.
- نظیری، قاسم، بیرشک، بهروز و محمدیان، مهرداد. (۱۳۷۸). شیوه فرزند‌پروری کمال‌گرا و ویژگی‌های کمال‌گرایانه پدران و مادران: عامل زمینه‌ساز اختلال وسواسی-اجباری. اندیشه و رفتار. ۳. ۳۰-۳۶.

Booth, L. (2007). Observations and reflections of communication in health care e could Transactional Analysis be used as an effective approach? available at www.sciencedirect.com.

- Berne, E., 1988. *What Do You Say After You Say Hello*. Bantam Books, 10th Printing, New York.
- Booth, L. (2007). Observations and reflections of communication in health care e could Transactional Analysis be used as an effective approach? *available at www.sciencedirect.com*.
- Booth, L. (2008). The radiographer-patient relationship: Enhancing understanding using a transactional analysis approach. *available at www.sciencedirect.com*.
- Brewer, A. L. (2001). Perfectionism and parenting: the relationships of perceived parenting style of parent, attachment, parent status, and gender to parental perfectionism. *Ph.D. Dissertation, university of Missouri Columbia*
- Chen, Y. c. (۲۰۰۲). The Effect of Transactional Analysis Parenting Group in the Parent-Child Communication and the Parenting Style with Mothers of ۱۳۷ Elementary School Student. *Unpublished Master's thesis, Taiwan, Retrieved June ۲۸ ۲۰۱۱ from <http://www.etdu.tw/etd-db/etd-۰۵۱۱۰۲-۱۶۲۴۵۱-۱۱۷۴.pdf>*.
- Corey, C. (2009). Theory and practice of counseling and psychotherapy. *English. Edition*.
- Frost, R. O., Lahart, C. M., & Rosenblate, R. (1991). The development of perfectionism: A study of daughters and their parents. *Cognitive Therapy and Research*, 15, 469–489.
- Hamachek, D. E. (1978). Psychodynamics of normal and neurotic perfectionism. *Psychology*, 15, 27–33.
- Huwer, R. M.E., Otten, R., De Vries, H. & Engels, R.C.M.E. (2010). Personality and parenting style in parents of adolescents. *Journal of Adolescence*, 33, 395-402.
- Mildon, R. & Polimeni, M. (2012). Parenting in the early years: effectiveness of parenting support Mildon, R. programs for Indigenous families. *Closing the Gap Clearinghouse*, 16.
- Rinaldi, C. M. & Howe, N. (2012). Mothers' and fathers' parenting styles and associations with toddlers' externalizing, internalizing, and adaptive behaviors. *Early Childhood Research Quarterly*, 27, 266 - 273.
- Snell, W. E., J. r., Overbey, G., & Brewer, A. L. (2005). Parenting perfectionism and the parenting role. *Personality and Individual Differences*, 39, 613-624.
- Stoeber, J. (2012) The 2 _ 2 model of perfectionism: A critical comment and some suggestions. *Personality and Individual Differences*, 53, 541–545.
- Soenens, B., Elliot, A.G., Goossens, L., Vansteenkiste, M., Luyten, P., Duriez, B., (2005). The intergenerational transmission of c: Parents psychosocial control as an intervening variable. *J Fam Psycho*, 19, 358-66.